



خدا را برای «سال ایمان» شکر و سپاس گوئیم

حقیقی مسیح و خدمتگذاران وفادار کلیسای او باشند که از یک ایمان زنده و ریشه دار برخوردار هستند. ایمان زنده و ریشه دار آنست که از روح القدس دریافت می کنیم و سر چشمه یک ملاقات شخصی با عیسی زنده می گردد ، به همین دلیل ایمانی که تنها مبتنی بر خصوصیات ملی ، فرهنگی و سنتهای بشری و انسانی باشد قدرت شهادت دادن و شهید شدن ندارد ، چنین ایمانی در برابر مشکلات و آزمایشات نمی تواند ایستادگی و مقاومت کند و زود از بین می رود. ما که به واسطه راز مقدس تعمید فیض زندگی نو را دریافت کرده ایم ، دعوت شده ایم تا همانند شاگردان شایسته مسیح زندگی کنیم . اجازه ندهیم نا آن نوری که در قلب ما درخشید به علت کارهای بد و ناشایست خاموش گردد ، بلکه آنرا توسط دعای مداوم و مشارکت در رازهای مقدس کلیسا مخصوصاً روزهای یکشنبه و کارهای محبت آمیز هر چه بیشتر آنرا تقویت و روشنتر کنیم تا از این راه نشانی آشکار و بارز از فیض نجات که خداوندمان عیسی مسیح به همه مردم عطا نمود باشیم . پولس رسول می فرماید: "برای من اعلام مژده انجیل یک ضرورت است و نه یک فخر و امتیاز ، وای بر من اگر انجیل را اعلام نکنم" (رساله اول به قرنتیان باب ۹ آیه ۱۶) . از دیدگاه پولس ، اعلام مژده انجیل و شهادت دادن به مسیح رسالت و مسئولیت اصلی و اساسی هر فرد مسیحی را تشکیل میدهد و بدون انجام دادن آن مسیحی وفادار و صادق وجود ندارد . جا دارد که خدا را برای همه کسانی که در عرض این دو هزار سال اخیر سعی نمودند تا انجیل را بشارت دهند و از این طریق شعله ایمان را افروخته نگه

دوستان گرامی ، روز ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳ برابر با ۳ آذر ۱۳۹۲ «سال ایمان» پایان یافت ، بدین مناسبت مراسمی بسیار باشکوه در واتیکان و سایر کشورهای جهان برگزار گردید. انگیزه این مراسم تقدیم شکر و سپاس به خدا پدر مقدس ما است که توسط مرگ و رستاخیز پسر یگانه اش فیض نجات ابدی را به همه جهانیان بخشید و با عطیه روح القدس کلیسا را بوجود آورد و آنرا با فیض ایمان ، امید و محبت زنده و فعال نگه می دارد. ما نیز مسیحیان ایران در اتحاد با همه مسیحیان جهان برای این فیض گرانبها او را ستایش نمائیم . چنانکه در «پیامهای» سابق گفته شد ، هدف اصلی برگزاری «سال ایمان» آگاه ساختن مسیحیان است از مسئولیتی که نسبت به تحقق رسالت کلیسا داریم که عبارت از رساندن مژده انجیل و فیض نجات ابدی توسط مسیح به همه ملت‌های جهان می باشد. متی رسول در آخرین باب انجیلش سخنان زیر را که عیسی به شاگردانش فرمود نقل می کند: "پس بروید و همه ملت‌ها را شاگرد من سازید و آنها را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید و تعلیم دهید که همه چیزهایی را که به شما گفته ام انجام دهند و بدانید که من هر روزه تا آخر زمان با شما هستم" (انجیل متی باب ۲۸ آیه ۱۹-۲۰) . همچنین طبق کتاب اعمال رسولان عیسی به شاگردانش گفت : "اما وقتی روح القدس بر شما نازل شود قدرت خواهید یافت و در اورشلیم و تمام یهودیه و سامره و تا اقاصا نقاط عالم شاهدان من خواهید بود" (اعمال رسولان باب ۱ آیه ۸) . همچنین «سال ایمان» به ما یاد آوری کرد که کسانی می توانند شاهدان

داشتند از ته دل شکر و سپاس گوئیم ، ما نیز از آنها الگو گرفته و راه آنها را ادامه دهیم تا کل جهان با نور مسیح منور گردد.

دوستان عزیز : مهمترین پیامی که از «سال ایمان» باید برای ما باقی بماند این است : هرگز فراموش نکنیم که فیض ایمان مسیحی که خدا به ما بخشید ارزشمندترین و زیباترین فیض می باشد ، آنرا بعنوان یک امانت و ودیعه گرانبها تلقی کنیم و در حفظ ، پرورش و بارور ساختن آن کوشا باشیم چون ایمانیکه رشد نکند از بین میرود. با دریافتن این فیض مطمئن هستیم که مورد لطف و محبت خدا قرار گرفته ایم ، و در طول زندگیمان بر روی زمین می توانیم با اتکا به او راه نجات را که توسط مسیح برای ما باز شد طی نمائیم . در ضمن داشتن باور عمیق و پایدار به اینکه خدا ما را دوست دارد و محبت او برای ما همیشه سرشار است سرچشمه یک انرژی و طراوت زندگی می باشد که از هرگونه افسردگی ، یأس و ناامیدی ما را حفظ می نماید . تاریخ کلیسا بهترین معلم است به ما میاموزد که آنانیکه زندگیشان بر خدا استوار بود با وجود مشکلات و زحماتیکه با آنها مواجه شدند با کمال آرامش و امید به بالاترین و زیباترین هدف زندگی که همانا خدا می باشد رسیدند. پولس رسول در وصف محبت خدا که توسط عیسی مسیح ظاهر شد می فرماید: "زیرا یقین دارم که نه مرگ و نه زندگی ، نه فرشتگان و نه نیروها و قدرتهای فوق بشری ، نه پیش آمدهای امروز و نه اتفاقات فردا ، نه قدرتهای آسمانی و نه بلندی و نه پستی و خلاصه هیچ چیز در تمام آفرینش نمی تواند ما را از محبتی که خدا در خداوند ما عیسی مسیح آشکار نمود جدا سازد" (رساله اول به قرنتیان باب ۸ آیه ۳۸-۳۹) .

با کمال تأسف باید پذیرفت که یکی از عوامل مهم ضعف رسالت کلیسا در جهان امروز بی تفاوتی و متعهد نبودن ما مسیحیان نسبت به پیام انجیل مقدس می باشد . نداشتن شوق و شور و شادی برای شهادت دادن به سرور و نجات دهنده ما عیسی مسیح باعث میشود تا تعداد زیادی از هممنوعان ما از شناخت و ایمان آوردن به او محروم گردند و این یک گناه بزرگ محسوب میشود . عیسی به کسانی که باعث لغزش و وسوسه دیگران میشوند می

فرماید: "از رو به رو شدن با وسوسه ها گریزی نیست اما وای به حال آن کسی که سبب وسوسه میشود . برای او بهتر است که با سنگ آسیابی به دور گردن خود به دریا انداخته شود تا یکی از این کوچکان را منحرف کند" (انجیل لوقا باب ۱۷ آیه ۱-۲) .

پیام دیگر «سال ایمان» عبارت است از امید داشتن به بخشش خدا ، خدائیکه همانند یک پدر دلسوز پیوسته در انتظار ماست تا اینکه ما را ببخشد ، او هرگز از ما دلسرد و مأیوس نمی شود . امید به مسیح محرک زندگی است، انسان را شاداب و خوشبین میسازد و آفاق جدید را در برابر او باز میکند و هرگز به بن بست نمیرسد . این مقاله را با سخنانی که پولس رسول به مسیحیان شهر تسالونیکه عنوان کرد به پایان می رسانم به امید اینکه بتوانیم ما مسیحیان امروز سخنان او را به خودمان نسبت دهیم : "به این سبب است که ما همیشه برای شما دعا می کنیم که خدای ما شما را شایسته دعوت خود گرداند و همه آرزوهای نیکوی شما را برآورد و فعالیتهای شما را که از ایمان سرچشمه می گیرد با قدرت خود به کمال برساند ، تا نام خداوند ما عیسی مسیح در شما جلال یابد و شما نیز بر طبق فیض خدای ما و عیسی مسیح خداوند در او جلال یابید" (رساله به تسالونیکیان باب ۱ آیه ۱۱-۱۲) .

خدا را برای فیض «سال ایمان» شکر و سپاس گوئیم .

خدمتگزار شما

رمزی گرمو

اسقف اعظم خلیفه گری آشوری کلدانی کاتولیک تهران

تنها "محبت" می تواند شمال را به جنوب و شرق را به غرب متصل نماید
تنها "محبت" می تواند فرهنگها و ادیان متفاوت را در کنار هم نهد
تنها "محبت" می تواند ابدیت را وارد زمان کرده و زمان را به ابدیت
متصل گرداند

انجیل اولین یکشنبه سوبارا لوقا ۲۵-۱/۵

مژده فرشته به زکریا

«در زمان سلطنت هیرودیوس، پادشاه یهودیه، کاهنی به نام زکریا از افراد گروه ایبا زندگی می کرد. همسر او نیز از خاندان هارون بود و الیزابت نام داشت. این دو نفر در نظر خدا درستکار بودند و بدون قصور، کلیه احکام و دستورات خداوند را رعایت می کردند. اما فرزندی نداشتند زیرا الیزابت نازا بود و هر دو سالخورده بودند. چون نوبت خدمت روزانه در معبد بزرگ به گروه زکریا رسید، او به عنوان کاهن مشغول انجام وظایف خود شد. بر طبق رسوم کاهنان قرعه به نام او اصابت کرد که به اندرون مقدس معبد وارد شود و بخور بسوزاند. در وقت سوزاندن بخور، تمام جماعت در بیرون ایستاده و دست به دعا برداشته بودند. در آنجا فرشته خداوند به او ظاهر شد و در سمت راست چهارپایه بخور ایستاد. زکریا از دیدن این منظره تکانی خورد و ترسید. اما فرشته به او گفت: «ای زکریا، مترس. دعاهای تو مستجاب شد و همسرت الیزابت برای تو پسری خواهد زائید و او را یحیی خواهی نامید. شادی و سرور نصیب تو خواهد بود و بسیاری از تولد او شادمان خواهند شد. زیرا او در نظر خداوند بزرگ خواهد بود و هرگز به شراب و باده لب نخواهد شد. از همان ابتدای تولد از روح القدس پر خواهد بود و بسیاری از بنی اسرائیل را بسوی خداوند، خدای آنان باز خواهد گردانید. با روح و قدرت الیاس مانند پیشاهنگی در حضور خدا قدم خواهد زد تا پدران و فرزندان را آشتی دهد و سرکشان را به راه نیکان آورد و مردمانی مستعد برای خداوند آماده سازد.» زکریا به فرشته گفت: «چطور می توانم این را باور کنم؟ من پیر هستم و زخم نیز سالخورده است.» فرشته به او پاسخ داد: «من جبرائیل هستم که در حضور خدا می ایستم و فرستاده شده ام که با تو صحبت کنم و این مژده را بتو برسانم. پس توجه کن: تو تا هنگام وقوع این امور لال خواهی شد و نیروی تکلم را از دست خواهی داد زیرا سخنان مرا که در وقت مقرر به حقیقت خواهد پیوست باور نکردی.» جماعتی که منتظر زکریا بودند از اینکه او آن همه در اندرون مقدس معبد ماند متعجب گشتند. وقتی بیرون آمد و یارای سخن گفتن نداشت، آنان فهمیدند که در اندرون مقدس معبد رویانی دیده است و چون نمی توانست حرف بزند ایما و اشاره می کرد. زکریا وقتی که دوره خدمت کاهنی خود را به انجام رسانید به خانه برگشت. بعد از آن همسرش الیزابت حامله شد و مدت پنج ماه در انزوا بسر برد و با خود می گفت: «این کار را خداوند برای من کرده است و با این لطف خود رسوائی مرا پیش مردم از میان برداشته است.»

ایام سوبارا (مژده) یادآور «انتظار آمدن مسیح خداوند» میباشد.
مسیح آمد، امروز هم می آید و خواهد آمد. مژده میلاد یوحنا

تعمید دهنده، مژده یک میلاد غیر ممکن و آمدن کسی است که راه خداوند را مهیا می سازد.

اگر نسبت به این "آمدن خداوند" بی اعتناء مانیم، بتدریج نور خدا در قلوبمان خاموش خواهد شد. اما اگر در انتظارش هستیم باید بدانیم که او به پیروانش مأموریت اشاعه صلح و سلامتی را محول کرده است. این تنها راه استقرار ملکوت خداست.

انجیل دومین یکشنبه سوبارا لوقا ۴۵-۱/۲۶

مژده فرشته به مریم

«در ماه ششم جبرائیل فرشته از جانب خدا به شهری به نام ناصره که در استان جلیل واقع است به نزد دختری که در عقد مردی به نام یوسف-از خاندان داود- بود فرستاده شد. نام این دختر مریم بود. فرشته وارد شد و به او گفت: «سلام، ای کسی که مورد لطف هستی، خداوند با تو است» اما مریم از آنچه فرشته گفت بسیار مضطرب شد و ندانست که معنی این سلام چیست. فرشته به او گفت: «ای مریم، مترس زیرا خداوند به تو لطف فرموده است. تو آبتن خواهی شد و پسری خواهی زائید و نام او را عیسی خواهی گذارد. او بزرگ خواهد بود و به پسر خدای متعال ملقب خواهد شد، خداوند، خدا تخت پادشاهی جدش داود را به او عطا خواهد فرمود. او تا به ابد بر خاندان یعقوب فرمانروائی خواهد کرد و پادشاهی او هرگز پایانی نخواهد داشت.» مریم به فرشته گفت: «این چگونه ممکن است؟ من با هیچ مردی رابطه نداشته ام.» فرشته به او پاسخ داد: «روح القدس بر تو خواهد آمد و قدرت خدای متعال بر تو سایه خواهد افکند و به این سبب آن نوزاد مقدس، پسر خدا نامیده خواهد شد. بدان که خویشاوند تو الیزابت در سن پیری پسری در رحم دارد و آن کسی که نازا به حساب می آمد اکنون شش ماه از حاملگی او می گذرد. زیرا برای خدا هیچ چیز محال نیست.» مریم گفت: «باشد، من کنیز خداوند هستم، همانطور که تو گفتی بشود.» و فرشته از پیش او رفت. در آن روزها مریم عازم سفر شد و با شتاب به شهری واقع در کوهستان یهودیه رفت. او به خانه زکریا وارد شد و به الیزابت سلام کرد. وقتی الیزابت سلام مریم را شنید بچه در رحمش تکان خورد. الیزابت از روح القدس پر شد و با صدای بلند گفت: «تو در بین زنان متبارک هستی و مبارک است ثمره رحم تو. من کی هستم که مادر خداوندم به دیدنم بیاید؟ همینکه سلام تو به گوش من رسید، بچه از شادی در رحم من تکان خورد. خوشبحال آن زنی که باور می کند زیرا وعده خداوند برای او به انجام خواهد رسید.»

انجیل چهارمین یکشنبه سوپارا لوقا ۲۰-۲/۱

میلااد مسیح موعود

«در آن روزها به منظور یک سرشماری عمومی در سراسر دنیای روم فرمانی از طرف امپراطور اوغسطس صادر شد. وقتی دور اول این سرشماری انجام گرفت کرینیوس فرماندار کل سوریه بود. پس برای انجام سرشماری هر کس به شهر خود می رفت و یوسف نیز از شهر ناصره جلیل به یهودیه آمد تا در شهر داود که بیت لحم نام داشت نامنویسی کند ، زیرا او از خاندان داود بود. او مریم را که در این موقع در عقد او و باردار بود همراه خود برد. هنگامیکه در آنجا اقامت داشتند وقت تولد طفل فرا رسید و مریم اولین فرزند خود را که پسر بود به دنیا آورد. او را در قنفاق پیچیده در آخوری خوابانید ، زیرا در مسافرخانه جایی برای آنان نبود. در همان اطراف در میان مزارع ، چوپانانی بودند که در وقت شب از گله خود پاسداری می کردند. فرشته خداوند در برابر ایشان ایستاد و شکوه و جلال خداوند در اطرافشان درخشید و ایشان سخت وحشت کردند. اما فرشته گفت: «ترسید، من برای شما مژده ای دارم: شادی بزرگی شامل حال تمامی این قوم خواهد شد. امروز در شهر داود نجات دهنده ای برای شما به دنیا آمده است که مسیح و خداوند است. نشانی آن برای شما اینست که نوزاد را در قنفاق پیچیده و در آخور خوابیده خواهید یافت.» ناگهان با آن فرشته فوج بزرگی از سپاه آسمانی ظاهر شد که خدا را با حمد و ثنا می سرانیدند و می گفتند: «خدا را در برترین آسمانها جلال و بر زمین در بین مردمی که مورد پسند او می باشند صلح و سلامتی باد.» بعد از آنکه فرشتگان آنان را ترک کردند و به آسمان رفتند ، چوپانان به یکدیگر گفتند: «بیایید ، به بیت لحم برویم و واقعه ای را که خداوند ما را از آن آگاه ساخته است ببینیم.» پس با شتاب رفتند و مریم و یوسف و آن کودک را که در آخور خوابیده بود پیدا کردند. وقتی کودک را دیدند آنچه را که درباره او به آنان گفته شده بود نقل کردند. همه شنوندگان از آنچه چوپانان می گفتند تعجب می کردند. اما مریم تمام این چیزها را به خاطر می سپرد و درباره آنها عمیقاً می اندیشید. چوپانان برگشتند و به خاطر آنچه شنیده و دیده بودند خدا را حمد و سپاس می گفتند ، زیرا آنچه به ایشان گفته شده بود اتفاق افتاده بود.»

مریم دانست که چگونه به کلام خدا گوش کند و مطیع گردد ، حال لحظه بوقوع پیوستن همه وعده های داده شده در سراسر تاریخ نجات فرا رسیده بود. اکنون رازی که قرنهادر نهان مانده بود آشکار گشته و عمانوئیل "خدا با ما" میلاد یافت. با میلاد مسیح چگونه زیستن را در جهان آموختیم : آرام و مصلح ، مسیح آمد و از در تنگ وارد شد. عیسی خداوند به جهان آمد و از جهان نشد. او فروتنان را سرافراز و کوفتگان را سربلندی بخشید . جاه و قدرت را رد کرد تا نان حیات بخش گردد که تا امروز در میان پیروانش تقسیم می شود.

مریم با آری گفتنش شادی بسیار فراهم کرد: خداوند می آید تا ملکوتش را مستقر گرداند. اشعیاء گفت: «او می آید و شما را نجات خواهد داد.» همه آفرینش غرق شادی است همان شادی ای که عیسی بعدها با شفا کوران و کران و لنگان بپا خواهد کرد. مریم در مقابل سخنان فرشته شکی ندارد ، پس روح القدس نازل شده و مریم آبستن می گردد به همین دلیل آن مولود پسر خدا خوانده خواهد شد.

انجیل سومین یکشنبه سوپارا لوقا ۸-۱/۵۷

میلااد یوحنا ی تعمید دهنده

«وقت زایمان الیزابت فرا رسید و پسری به دنیا آورد. وقتی همسایگان و خویشاوندان او با خبر شدند که خداوند چه لطف بزرگی در حق او کرده است مانند او شاد و خوشحال گشتند. پس از یک هفته آمدند تا نوزاد را ختنه نمایند و در نظر داشتند نام پدرش زکریا را بر او بگذارند. اما مادرش گفت: «خیر ، نام او باید یحیی باشد.» آنها گفتند: «اما در خاندان تو هیچ کس چنین نامی ندارد» و با اشاره از پدرش پرسیدند که تصمیم او درباره نام طفل چیست. او لوحی خواست و در برابر تعجب همگی نوشت: «نام او یحیی است.» ناگهان زبانش باز شد و به ستایش خدا پرداخت. تمام همسایگان ترسیدند و کلیه این اخبار در سرتاسر کوهستانهای یهودیه انتشار یافت. همه کسانیکه این موضوع را شنیدند درباره آن فکر می کردند و می گفتند: «این کودک چه خواهد شد؟ در واقع دست خداوند با او است.» پدر او زکریا ، از روح القدس پر شد و چنین نبوت کرد: «خداوند ، خدای اسرائیل را سپاس باد. زیرا به یاری قوم خود آمده و آنان را رهائی داده است. از خاندان بنده خود داود ، رهاننده نیرومندی برافراشته است. او از قدیم از زبان پیامبران مقدس خود وعده داد که ما را از دست دشمنانمان رهائی بخشد و از دست همه کسانیکه از ما نفرت دارند آزاد سازد و با پدران ما برحمت رفتار نماید و پیمان مقدس خود را بخاطر آورد. برای پدر ما ابراهیم سوگند یاد کرد که ما را از دست دشمنان نجات دهد و عنایت فرماید که او را بدون ترس با پاکی و نیکی تا زنده ایم عبادت نمائیم. و تو، ای فرزند ، پیامبر خدای متعال نامیده خواهی شد. زیرا جلوی قدمهای خداوند خواهی رفت تا راه او را آماده سازی و بقوم او خبر دهی که با آمرزش گناهانشان رسنگار می شوند ، زیرا از رحمت و دلسوزی خدای ما است که خورشید صبحگاهی از آسمان بر ما طلوع خواهد کرد تا بر کسانیکه در تاریکی و در سایه مرگ به سر میبرند بتابد و قدمهای ما را به راه صلح و سلامتی هدایت فرماید.» و اما طفل بزرگ میشد و در روح قوی می گشت و تا روزیکه علناً به قوم اسرائیل ظاهر شد در بیابان بسر میبرد.»

سه کلمه کلیدی متون امروز عبارتند از : مژده ، یوحنا ی تعمید دهنده، بیابان. یوحنا خبر خوش آمدن مسیح مولود را اعلام میدارد، او خود آخرین پیامبر عهدقدیم است و میخواهد که در بیابان وجودمان راه ورود مسیح را آماده سازیم. این آمادگی تنها از یک راه امکانپذیر است و آن پرشدن از محبت مسیح است تا با محبت او یکدیگر را محبت کنیم.

مریم به دعوت خدا جواب "بله" می دهد



مریم مثل هر دختر دیگر در آن زمان ، انتظار داشت یک زندگی ساده و آرامی داشته باشد. او نامزدی بنام یوسف داشت و قرار بود که با هم ازدواج کنند. اما خدا از او خواست تا مادر عیسی گردد.

خیلی دورتر از اورشلیم در یک دهکده کوچک بنام ناصره ، دختری بنام مریم همراه با خانواده اش زندگی می کرد ، که بزودی همسر یوسف نجار می شد. اما قبل از مراسم ازدواج ، روزی خدا فرشته جبرائیل را نزد مریم فرستاد. فرشته وارد شده و به مریم گفت: «شادمان باش ، مریم! تو از خدا برکتی یافتی و خدا با تو است»

مریم ترسید و معنی این سلام را نفهمید. فرشته گفت: «نترس! ای مریم تو از برکت خدا پر شده ای. من به تو این خبر خوش را می دهم که صاحب فرزند خواهی شد و نام او را عیسی خواهی گذاشت. او بزرگ خواهد بود و او را پسر خدا خواهند خواند. او برای همیشه قوم خدا را رهبری خواهد کرد». مریم از فرشته پرسید: «این چگونه ممکن است چون من هنوز ازدواج نکرده ام؟» فرشته جواب داد: «روح القدس خدا بر تو خواهد آمد. به همین خاطر این کودک پسر خدا خوانده خواهد شد». مریم خود را به خدا می سپارد.

فرشته ادامه داد و گفت : «خاله تو الیزابت که نازا بود ، در سن پیری خدا دعایش را شنید و حالا در انتظار کودکی است. زیرا برای خدا چیزی غیر ممکن نیست.»

مریم به سخنان خدا اطمینان کرد و گفت: «من کنیز خدا هستم ، هر چه خدا برای من می خواهد ، همان بشود». و فرشته از نزد او رفت.

دعا: ای خداوند عیسی ، من پول زیادی ندارم ، ولی دلم می خواهد برای عید میلاد تو برای هر کدام از کسانی که دوستشان دارم یک هدیه بدهم . ای عیسی ، تو می دانی که در قلب من یک گنجینه ای از محبت هست! کمکم کن تا هدیه من به دیگران محبت واقعی من به ایشان باشد. آمین

«امروز چه کار خوبی می توانم بکنم؟»

تصمیم بگیر در روز دست کم یک کار خوب انجام بده
خداوند به وسیله روح که راهنمای واقعی تو در زندگی است
گرچه چندبار ، یا به تعداد بی شمار نباشد.
هر صبح با خداوند حرف بزن و از او بپرس:
«امروز چه کار خوبی می توانم بکنم؟»
او به تو پاسخ می دهد و راهنمایی می کند
چون او در وجود توست.
و تو با درخواست از او ، او را در خودت زنده می کنی
اگر تمام ۶ میلیارد انسان ساکن بر روی زمین
یک عمل خوب در روز انجام دهند ، چه سیاره ای خواهد شد!
«رابرت مولر»

چرا عیسی؟؟؟

عیسی به دنیا آمد تا من دوباره متولد شوم.
او فقیر شد تا من مالک ثروتی عظیم گردم.
او بی جا و مکان شد تا من صاحب بنائی پر شکوه گردم.
او برهنه شد تا من همیشه بر تن خود لباسی داشته و پوشیده باشم.
او تنها و طرد شده ، رها گشت ، تا من همیشه دوستانی داشته باشم.
او اسیر شد تا من آزادی کامل یابم.
او غمگین شد ، باشد که من سرشار از شادی گردم.
او حقیر و فروتن شد تا من بلند کرده شوم.
او خادم شد تا من بتوانم برای همیشه فرزند باشم.
او گرسنگی کشید تا من همیشه غذایی برای خوردن داشته باشم.
او گناه شد تا من امروز عدالت او را با دیگران قسمت کنم.
او مُرد تا من هرگز طعم مرگ ابدی را تجربه نکنم.
او پایین خواهد آمد تا من به بالا بروم.

خداوند این همه را انجام داد تا امروز پُری فیض و عدالت و بخشش او در من نمایان باشد و شریک او در تمام برکات سماوی باشم.

معلم و دانش آموزان

معلم یک کودکستان به بچه های کلاس گفت که می خواهد با آنها بازی کند. او به آنها گفت که فردا هر کدام یک کیسه پلاستیکی بردارند و درون آن به تعداد آدمهایی که از آنها بدشان می آید، سیب زمینی بریزند و با خود به کودکستان بیاورند.

فردا بچه ها با کیسه های پلاستیکی به کودکستان آمدند. در کیسه بعضی ها ۲، بعضی ها ۳، و بعضی ها ۵ سیب زمینی بود.

معلم به بچه ها گفت: تا یک هفته هر کجا که می روند کیسه پلاستیکی را با خود ببرند. روزها به همین ترتیب گذشت و کم کم بچه ها شروع کردند به شکایت از بوی سیب زمینی ها گندیده. به علاوه، آن هایی که سیب زمینی بیشتری داشتند از حمل آن بار سنگین خسته شده بودند. پس از گذشت یک هفته بازی بالاخره تمام شد و بچه ها راحت شدند.

معلم از بچه ها پرسید: از اینکه یک هفته سیب زمینی ها را با خود حمل می کردید چه احساسی داشتید؟ بچه ها از اینکه مجبور بودند، سیب زمینی های بدبو و سنگین را همه جا با خود حمل کنند شکایت داشتند. آنگاه معلم منظور اصلی خود را از این بازی، این چنین توضیح داد:

این درست شبیه وضعیتی است که شما کینه آدم هایی که دوستشان ندارید را در دل خود نگاه می دارید و همه جا با خود می برید. بروی بد کینه و نفرت، قلب شما را فاسد می کند و شما آن را به همه جا همراه خود حمل می کنید. حالا که شما بوی بد سیب زمینی ها را فقط برای یک هفته نتوانستید تحمل کنید. پس چطور می خواهید بوی بد نفرت را برای تمام عمر در دل خود تحمل کنید؟

جمله های کوچک، درس های بزرگ

* در پشت هیچ در بسته ای ننشینید تا شاید روزی باز شود، درهای دیگری جست و جو کنید و اگر نیافتید، همان در را بشکنید!

* آرزو نکن چیزی به غیر از آن چه هستی باشی، تلاش کن بهترین آن چه هستی باشی!

* همیشه پاسخ زیبا برای کسی است که پرسش زیباتری بکند.

* کسانی بیش تر موفق شده اند که کم تر تعریف شده اند.

* گاهی ارزش یک سؤال، بیش تر از پاسخ آن است.

* به یاد داشته باش که امروز، طلوع دیگری ندارد!

اخبار و تقویم کلیسای

- یکشنبه ۱۰ آذر ۹۲ = ۱ دسامبر ۲۰۱۳، یکشنبه اول سوبارا.
رساله: افسسیان فصل ۵ آیه ۲۱ الی فصل ۶ آیه ۱-۹
انجیل: لوقا فصل ۱ آیه ۱-۲۵

- یکشنبه ۱۷ آذر ۹۲ = ۸ دسامبر ۲۰۱۳، یکشنبه دوم سوبارا.
رساله: کولسیان فصل ۴ آیه ۲-۱۸
انجیل: لوقا فصل ۱ آیه ۲۶-۵۶

- یکشنبه ۲۴ آذر ۹۲ = ۱۵ دسامبر ۲۰۱۳، یکشنبه سوم سوبارا.
رساله: افسسیان فصل ۳ آیه ۱-۱۴
انجیل: لوقا فصل ۱ آیه ۵۷-۸۰

- یکشنبه ۱ دی ۹۲ = ۲۲ دسامبر ۲۰۱۳، یکشنبه چهارم سوبارا.
رساله: افسسیان فصل ۵ آیه ۵-۲۱
انجیل: متی فصل ۱ آیه ۱۸-۲۵

- دوشنبه ۲ دی ۹۲ = ۲۳ دسامبر ۲۰۱۳ و ۳ دی ۹۲ = ۲۴ دسامبر ۲۰۱۳، روزه میلاد عیسی مسیح. پرهیز از گوشت

- سه شنبه ۳ دی ۹۲ = ۲۴ دسامبر ۲۰۱۳، شب عید میلاد، نماز قربانی مقدس ساعت ۱۱ شب در کلیسای حضرت یوسف و ساعت ۷ شب در کلیسای حضرت مریم برگزار می گردد.

- چهارشنبه ۴ دی ۹۲ = ۲۵ دسامبر ۲۰۱۳، عید میلاد مسیح، نماز قربانی مقدس ساعت ۱۰ صبح در کلیسای حضرت یوسف و حضرت مریم برگزار می گردد.

- پنجشنبه ۵ دی ۹۲ = ۲۶ دسامبر ۲۰۱۳، عید تبریک گفتن به حضرت مریم، نماز قربانی مقدس ساعت ۱۰ صبح در کلیسای حضرت مریم برگزار میگردد.

- یکشنبه ۸ دی ۹۲ = ۲۹ دسامبر ۲۰۱۳، یکشنبه بعد از عید میلاد
رساله: غلاطیان فصل ۴ آیه ۱۸ الی فصل ۵ آیه ۱
انجیل: متی فصل ۲ آیه ۱-۲۳

- سه شنبه ۱۰ دی ۹۲ = ۳۱ دسامبر ۲۰۱۳، تحویل سال نو میلادی ۲۰۱۴، نماز قربانی مقدس ساعت ۱۱ شب در کلیسای حضرت یوسف برگزار می گردد.

اول ژانویه ۱۱ دی آغاز سال نو میلادی ۲۰۱۴ به همه هموطنان عزیز تبریک می گوئیم